

طراحی نمایشنامه تعلیمی تربیتی مبتنی بر الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ به منظور پرورش هوش فرهنگی نوجوانان

شیما ابراهیمی^۱، زهرا جهانی^۲

دریافت: ۱۴۰۴/۳/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۱

چکیده

عطف به تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری هویت و شخصیت نوجوانان و ترویج الگوهای معیوب و بیگانه غربی از طریق فضای مجازی در سطح جامعه، پژوهش حاضر با هدف آموزش و ترویج الگوهای فرهنگی ایرانی-اسلامی و پرورش هوش فرهنگی نوجوانان برای تشخیص الگوهای فرهنگی صحیح به معرفی الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ برای طراحی نمایشنامه‌های تعلیمی-تربیتی پرداخته است. الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ از سه بخش الگوی SPEAKING، الگوی هیجامد و الگوهای فرهنگی تشکیل شده است که زیاهنگ‌های (فرهنگ مستتر در عبارات زبانی) هر جامعه زبانی از طریق آن تحلیل می‌شود. روش انجام پژوهش به این صورت است که پس از شناسایی رفتارهای نادرست نوجوانان، زیاهنگ متناسب برای اصلاح آن رفتار تشخیص داده شده و از طریق پژوهش‌های انجام شده در حوزه زیاهنگ یا استخراج داده‌ای مربوط به آن زیاهنگ از طریق واحدهای زبانی رایج در میان افراد جامعه یا متون و تحلیل آن‌ها براساس الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ، نمایشنامه طراحی می‌شود. بر مبنای نتایج این پژوهش، برای طراحی، در گام نخست صحنه‌ها و گفتگوهای نمایشنامه بر مبنای الگوی SPEAKING نوشته می‌شود و در گام دوم پس از اجرای هر صحنه توسط بازیگران، مخاطبان به نقد و بررسی صحنه و ارائه پیشنهادهایی برای ایجاد تغییر در آن می‌پردازند و در نهایت نیز با هدایت مربی الگوهای فرهنگی نهفته در نمایش شناسایی و بررسی می‌شوند که این مراحل به ترتیب بر تقویت مؤلفه‌های فراشناختی، شناختی و انگیزشی هوش فرهنگی نوجوانان تأکید می‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد می‌توان با طراحی نمایشنامه بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ به نوجوانان در دست‌یابی به هویت صحیح یاری رساند.

کلید واژه‌ها: زیاهنگ، نمایشنامه، هوش فرهنگی، نوجوانان، الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. دانشیار آموزش زبان فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول، shimaabrahimi@um.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۱- مقدمه

فرهنگ یکی از مؤلفه‌های اساسی در هر جامعه‌ای است که نقش مؤثری در سایر پایه‌های تشکیل‌دهنده آن جامعه دارد؛ از جمله این اصول می‌توان به رابطه فرهنگ با ویژگی‌های روان‌شناختی به‌ویژه شخصیت افراد اشاره کرد؛ درواقع فرهنگ بر سه بُعد رفتار زبانی، تعیین اهداف زندگی و سازگاری اجتماعی و در نهایت هویت افراد اثرگذار است (فراهانی و خانی‌پور، ۱۳۹۷). این تأثیر بر شکل‌گیری هویت و شخصیت گروه سنی نوجوان چشمگیرتر است، زیرا آنان در این دوره از زندگی به جستجوی هویت خود پرداخته تا از طریق آن به سلامت روانی و جسمی خود دست پیدا کنند (برانجه و همکاران^۱، ۲۰۲۱). این در حالی است که در چند سال اخیر عواملی نظیر افزایش دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و رواج فرهنگ‌های بیگانه موجب ایجاد تغییراتی در فرهنگ و سبک زندگی افراد جامعه شده است (خجبر، ۱۳۹۹)؛ درواقع این امر موجب تأثیرپذیری فرهنگ اصیل ایرانی از فرهنگ غربی شده که رواج ژن‌های معیوب فرهنگی را با خود به همراه داشته است. به‌همین منظور شایسته است نهادهای مسئول پرورش این افراد نظیر خانواده، آموزش و پرورش و سایر نهادهای فرهنگی شرایط و امکانات لازم را در جهت پرورش هوش فرهنگی^۲ نوجوانان مهیا سازند (شاه‌مرادی و همکاران، ۱۴۰۲). هوش فرهنگی به توانایی فرد در سازگاری مؤثر با محیط‌های فرهنگی جدید و متفاوت از بافت فرهنگی خود اشاره دارد (ارلی و انگ^۳، ۲۰۰۳)؛ درواقع این هوش مؤلفه‌های فراشناختی (درک تجربیات میان‌فرهنگی)، شناختی (چگونگی تفکر و قضاوت با توجه به مفاهیم فرهنگی) و انگیزشی (احساس فرد در ارتباطات بین‌فرهنگی) را در بر می‌گیرد (جورابراهیمیان و سلیمانپور، ۱۴۰۱). براین اساس نوجوانانی که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار باشند، توانایی درک و شناسایی الگوهای فرهنگی درست از نادرست را داشته و در زندگی خود براساس الگوهای فرهنگی سالم رفتار می‌کنند.

با وجود اهمیت آموزش و ترویج فرهنگ صحیح ایرانی-اسلامی در میان نوجوانان، عواملی از قبیل انتقادناپذیری، افزایش ترديد‌ها نسبت به مسائل مختلف و گرایش به الگوهای پذیرفته نشده در این دوره سنی (ابراهیمی کیایی و عامریان، ۱۳۹۹) موجب شده است آنان کم‌تر پذیرای آموزش مستقیم این مؤلفه‌ها باشند. ازاین‌رو می‌توان از روش‌های آموزش غیرمستقیم مانند نمایش تعلیمی تربیتی^۴ بهره برد. این نوع تئاتر هنر نه فقط برای سرگرم کردن مخاطب بلکه برای تأثیرگذاری بر سیر تفکرات او طراحی و اجرا می‌شود (گوبل^۵، ۲۰۲۱). براین اساس نوجوانان در کنار لذت بردن از دیدن و حتی مشارکت در اجرای نمایش، مطالب آموزشی جایگذاری شده در آن را نیز یاد می‌گیرند. اما از آن‌جا که تولید هر محتوای آموزشی نیازمند درنظر گرفتن اصول آموزشی است (چن^۶، ۲۰۲۳)، در طراحی نمایش‌هایی که به آموزش فرهنگ به نوجوانان می‌پردازد نیز باید از اصول آموزشی متناسب با این محتوا بهره برد.

بدین منظور با توجه به ارتباط تنگاتنگ میان زبان و فرهنگ (ایمای و همکاران^۷، ۲۰۱۶) و همچنین جایگاه با اهمیت عبارات و اصطلاحات در هنر نمایش، می‌توان با تأکید بر مفهوم زبانهنگ^۸ (زبان و فرهنگ) که به ساختارها و عباراتی از زبان اشاره دارد که نمای فرهنگ است (پیش‌قدم، ۱۳۹۱)، از الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ^۹ پیش‌قدم و همکاران (۲۰۲۰) در طراحی این نمایش‌ها بهره برد. این الگو با نگاهی جامع به بافتی که زبانهنگ در آن شکل می‌گیرد، نوع هیجانی که کاربرد آن تولید می‌کند و الگوهای فرهنگی که در زبانهنگ‌ها مستتر است، اشاره دارد و می‌توان در طراحی نمایش این موارد را درنظر گرفت.

بنابراین با توجه به اهمیت فرهنگ و شکل‌گیری هویت افراد و همچنین چگونگی آموزش آن به نوجوانان، پژوهش حاضر با درنظر گرفتن هنر نمایش و الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان از الگوی

^۱. Branje et al.

^۲. cultural intelligence

^۳. Earley & Ang

^۴. pedagogical theater

^۵. Goble

^۶. Chen

^۷. Imai et al.

^۸. cultuling

^۹. Conceptual Model of Cultuling Analysis

مفهومی تحلیل زباهنگ در طراحی نمایش های تعلیمی-تربیتی ویژه آموزش فرهنگ به نوجوانان بهره برد؟ بدین منظور پس از بررسی پیشینه و معرفی مبانی نظری، چگونگی بهره بردن از این الگو در طراحی نمایشنامه و آموزش فرهنگ شرح داده می شود.

۲- پیشینه پژوهش

هوش فرهنگی یکی از مؤلفه هایی است که در چندسال اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ برای نمونه سلحشوری و خاوری (۱۳۹۲) با بررسی رابطه هوش فرهنگی و هویت ایرانی-اسلامی دانش آموزان مقطع دبستان به این نتیجه رسیدند میان این دو مؤلفه رابطه معناداری وجود دارد. پوترانتو و همکاران^۱ (۲۰۱۸) نیز ارتباط میان هوش فرهنگی و هوش هیجانی دانش آموزان و تأثیر این ارتباط را بر یادگیری آنان مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند بین این دو هوش رابطه معناداری وجود دارد و هوش هیجانی پیش بینی کننده مثبت و هوش فرهنگی پیش بینی کننده منفی یادگیری دانش آموزان است. سوریا و کادیوراوان^۲ (۲۰۲۲) نیز با انجام پژوهش خود نشان دادند نوجوانان درون گرای برخوردار از فرزندپروری مثبت از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار هستند. همچنین علی پور و بزمی (۱۴۰۱) در طی پژوهشی شبه آزمایشی تأثیر بازی های ملی رایانه ای را بر دو مؤلفه هوش فرهنگی و نوع دوستی نوجوانان بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند بین این دو مؤلفه در دانش آموزانی که بازی های رایانه ای انجام می دهند، ارتباط معناداری وجود دارد و این بازی ها بر ارتقای هوش فرهنگی و نوع دوستی دانش آموزان اثرگذار است. سرمدی و خلیلی (۱۴۰۱) نیز با انجام پژوهش خود دریافتند میان هوش فرهنگی با خلاقیت در یادگیری درونی و بیرونی دانش آموزان رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و از سوی دیگر میان این دو مؤلفه و بی انگیزگی تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار منفی وجود داشته و تقویت هوش فرهنگی و خلاقیت محیط یادگیری دانش آموزان افزایش انگیزش آنان را به دنبال دارد. جورابراهیمان و سلیمانپور (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی دیگر به این نتیجه رسیدند میان هوش فرهنگی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان نوجوان پسر رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. نوگراها و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی دیگر به بررسی هوش فرهنگی دانش آموزان نوجوان مشغول به تدریس در مدارس شبانه روزی با توجه به متغیر جنسیت پرداختند و به این نتیجه رسیدند جنسیت تأثیری بر هوش فرهنگی نوجوانان ندارد.

از سوی دیگر شاه مرادی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند بین هوش فرهنگی و سلامت اجتماعی با رفتارهای پرخطر دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد و فقدان هر یک از مؤلفه های سلامت اجتماعی و هوش فرهنگی موجب افسردگی، بدبینی ارزیابی منفی از رویدادها، اعتیاد به مواد مخدر ناهنجاری های اجتماعی و رفتارهای پرخطر دیگر می شود. مشکین و همکاران (۱۴۰۲) نیز از نگاه دیگر تأثیر هوش فرهنگی را بر یادگیری زبان خارجی توسط دانش آموزان بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند افرادی که از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، مهارت بیشتری در زبان خارجی دارند. حجتی و همکاران (۱۴۰۳) نیز نشان دادند عواملی نظیر تغییرات فرهنگی جامعه، تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری انسان ها در تغییر هوش فرهنگی دانش آموزان مؤثر است. همچنین حسینی و نژادنجفقلی (۱۴۰۳) نشان دادند بین دو هوش فرهنگی و اخلاقی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد و عواملی نظیر معلمان، برنامه درسی پنهان و قصه گویی در تقویت این دو هوش و به تبع آن میزان یادگیری تأثیرگذار است. رملی و همکاران^۴ (۲۰۲۴) نیز با توجه به ارتباط میان رسانه های اجتماعی با هوش فرهنگی به اعتباریابی پرسشنامه سنجش هوش فرهنگی مبتنی بر رسانه های اجتماعی پرداخته و روایی و پایایی آن را تأیید کردند.

بنابراین با توجه به پژوهش های انجام شده به نظر می رسد هوش فرهنگی یکی از مؤلفه های اثرگذار در ارتباط با دانش آموزان، به ویژه نوجوانان است و تاکنون پیشنهاداتی در راستای ارتقای آن مطرح شده؛ اما تاکنون به جایگاه نمایش بر هوش فرهنگی توجه نشده است. بنابراین در ادامه پژوهش های انجام شده در زمینه نقش نمایش در آموزش مورد بررسی قرار می گیرد.

^۱. Putranto et al.

^۲. Sooriya & Kadiravan

^۳. Nograha

^۴. Ramli et al.

تا کنون پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با نمایش و آموزش کودکان و نوجوانان انجام شده است؛ برای نمونه لژی و منفردی (۱۳۸۹) با توجه به جایگاه نمایش در درمان کودکان و نوجوانان دارای مشکلات احساسی و رفتاری، نقش هر یک از عناصر این هنر را در این زمینه شرح داده‌اند. دوستی و جاویدان (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی مشابه تأثیر نمایش را بر کاهش اضطراب و افسردگی کودکان بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند مشاهده تئاتر تأثیر چشم‌گیری بر کاهش این دو متغیر در کودکان دارد. همچنین جمیره و دیره (۱۳۹۴) نشان دادند آموزش تئاتر تأثیر بسزایی در یادگیری مهارت‌های زندگی نوجوانان دارد. آریایی‌نسب و سارونی (۱۳۹۵) نیز ضمن برشمردن کارکردهای ادبیات نمایشی نظیر کشف و بارور کردن استعدادهای نهفته، پرورش قوه تخیل کودکان، برآورده کردن نیازهای فکری، روحی و روانی و پرورش دادن بنیادهای فکری و شخصیتی کودکان و نوجوانان، استفاده از این شاخه از ادبیات را در حوزه آموزش کودکان مغتنم شمرده و چند نمونه از چگونگی استفاده از این هنر را در آموزش مفاهیم مختلف شرح می‌دهند. رجبی و علیمردی (۱۳۹۶) نیز با انجام یک پژوهش شبه آزمایشی نشان دادند استفاده از نمایش در افزایش مهارت‌های اجتماعی و مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان مقطع ابتدایی تأثیر معنادار مثبتی داشته اما این تأثیر در درس ریاضی معنادار نیست. در پژوهشی مشابه طایفه مهدی‌خان و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر تئاتر پداگوژیک که بر مبنای تعلیم و تربیت طراحی شده است را بر دو هوش هیجانی و اجتماعی کودکان مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که این روش در پرورش این دو هوش بسیار مؤثر است. باقری و رایانی مخصوص (۱۳۹۷) نیز ضمن اذعان تأثیر مثبت بازی‌های نمایشی در آموزش کودکان برای مفاهیمی نظیر تأمل، قدرشناسی از فرهنگ، خلاقیت، تماس با اندیشه‌های مهم، شهروندی مؤثر و صلح‌جویی چندین نمونه بازی نمایشی پیشنهاد می‌دهند. در پژوهشی دیگر محمدپور وزندی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر نمایش را بر رشد اخلاقی، روابط بین‌فردی و خلاقیت دانش‌آموزان مقطع ششم دبستان بررسی کرده و نشان دادند این روش بر دو متغیر روابط بین‌فردی و خلاقیت آنان تأثیر معنادار مثبت دارد.

از سوی دیگر الویفه^۱ (۲۰۱۷) معتقد است تئاتر کودکان در کنار آموزش باید سرگرم‌کننده نیز باشد و محتوای آن با توجه به نیازهای آنان طراحی شده و خود کودکان نیز در اجرای آن مشارکت داشته باشند. پرزولیس^۲ (۲۰۱۸) نیز با انجام پژوهشی نشان داد استفاده از تئاتر در ارتباطات اجتماعی، افزایش عزت نفس و اعتماد بر توانایی تحصیلی کودکان مؤثر است. زاگوئل^۳ (۲۰۲۰) نیز با ابزار نظرسنجی از معلمان و کارشناسان حوزه تربیت به این نتیجه رسید بهره‌گیری از تئاتر در آموزش، موجب افزایش اعتماد به نفس و خودشکوفایی دانش‌آموزان شده اما کیفیت تدریس، توانایی معلمان و محتوای نامرغوب محدودیت‌هایی را در استفاده از آن ایجاد می‌کند. همچنین گوبل^۴ (۲۰۲۱). با انجام یک مطالعه مروری نشان داد استفاده از هنر تئاتر در رشد تحصیلی و غیرتحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. بدین‌منظور توجه بیشتر به این هنر و در نظر گرفتن کلاس و کارگاه‌های آموزشی را در نظام آموزشی توصیه می‌کند. غفاری (۱۳۹۸) نیز در قالب پژوهشی با هدف تأثیرگذاری نمایشنامه بر کودکان نحوه نگارش نمایشنامه براساس نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا^۵ را شرح و تبیین کرده که براساس آن چگونگی اجرای نمایشنامه و تأثیر آن را در آموزش شرح داده است. در پژوهشی دیگر ناصری و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی تأثیر شرکت در کلاس‌های هنری و نمایشی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان به این نتیجه رسیدند این کلاس‌ها بر ابعاد همکاری، ابراز وجود، خویشتن‌داری و همدلی تأثیر مثبت و معناداری دارد. احدی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهش مشابه نشان دادند شرکت در کلاس‌های نمایش خلاق روش مؤثری بر تنظیم شناختی هیجانات نوجوانان دارد. حسن‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) نیز با بررسی آرای جان دیویی^۶ و مبنای نمایش خلاق، تبیین کردند که تلفیق نظریه حل مسئله دیویی با نمایش خلاق ابزار قدرتمندی در رشد تکامل اخلاقی و توانمندی‌های اجتماعی دانش‌آموزان است.

^۱. Eloyefa

^۲. Peirez solis

^۳. Zaghloul

^۴. Goble

^۵. Albert Bandura

^۶. John Dewey

در پژوهشی دیگر کاظمی یزدی و همکاران (۱۴۰۲) در طی ده جلسه تدریس در ارتباط با تئاتر پداگوژیک و چگونگی اجرای آن به دو صورت نظری و عملی، تأثیر آن را بر رشد خلاقیت کودکان مورد بررسی قرار داده و دریافتند این نوع تئاتر تأثیر معنادار مثبتی بر بهبود توانایی حل مسئله و افزایش خلاقیت دانش آموزان دارد. مصطفایی و پیرزاد (۱۴۰۲) نیز با انجام یک پژوهش مروری به این نتیجه رسیدند که نمایش درمانی یکی از مداخله‌های مهم اثربخش در کاهش علائم و درمان کودکان و نوجوانان دارای اختلالات رفتاری است. پارتین^۱ (۲۰۲۴) نیز با بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه ارتباط تئاتر در آموزش به این نتیجه رسید این هنر در مؤلفه‌هایی نظیر پرورش مهارت‌های ارتباطی شفاهی، توانایی حل مسئله خلاق، افزایش انگیزه و تعهد، تمایل به همکاری، توانایی استقلال، مهارت مدیریت زمان، ابتکار عمل، رعایت نوبت، احترام به دیگران، توانایی یادگیری سریع و صحیح، توانایی سازگاری و انعطاف‌پذیری، مهارت‌های رهبری و تمایل به پذیرش مسئولیت تأثیرگذار است.

به‌طور کلی با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، به‌نظر می‌رسد هنر نمایش یکی از ابزارهای کارآمد در زمینه آموزش مفاهیم درسی، اجتماعی و روان‌شناختی به کودکان و نوجوانان است و با استفاده از آن می‌توان روند یادگیری این مفاهیم را برای مخاطبان تسهیل کرد. با این وجود به‌نظر می‌رسد پژوهش‌های اندکی در ارتباط با چگونگی تولید و اجرای این نمایش‌نامه‌ها انجام شده است. بدین‌منظور در ادامه الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ شرح داده می‌شود.

۳- مبنای نظری پژوهش

۳-۱- الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ

پیش‌قدم (۱۳۹۱) با تأثیرپذیری از نظریات هالیدی^۲ (۱۹۷۵-۱۹۹۴)، ویگوتسکی^۳ (۱۹۷۸-۱۹۸۶) و ساپیر-ورف^۴ (۱۹۵۶) مفهوم زبانهنگ را مطرح کرده و در تعریف آن زبانهنگ را پاره‌گفتارهایی می‌داند که نما و شمای فرهنگی یک جامعه را نشان می‌دهند که با تحلیل این پاره‌گفتارها می‌توان به فرهنگ یک جامعه دست یافت و نظام فکری، عادات، باورها و عقاید یک جامعه را شناسایی کرد. بدین‌منظور پیش‌قدم و همکاران (۲۰۲۰) در راستای تحلیل دقیق و جامع زبانهنگ‌ها، الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ را طراحی و ارائه کردند که این الگو دارای سه جزء عوامل محیطی (الگوی SPEAKING) هیجان‌حسی (الگوی هیجامد)^۵ و الگوهای فرهنگی^۶ است.

۳-۱-۱- الگوی SPEAKING

این الگو که برای نخستین بار توسط زبان‌شناس آمریکایی با نام هایمز^۷ (۱۹۶۷) معرفی شده، دربردارنده عوامل اثرگذار در تعامل میان افراد است که عبارت‌اند از:

۱- محیط / صحنه^۸ که به مکان، زمان و شرایط محیطی یک ارتباط اشاره دارد (هایمز، ۱۹۷۲) و به انواع همتراز رسمی، غیرهمتراز و رسمی، رسمی غیرهمتراز و غیررسمی غیرهمتراز تقسیم می‌شود (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۱۴۰۲)؛ ۲- شرکت‌کنندگان^۹ که ویژگی‌های سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی و تحصیلات افراد درگیر در ارتباط را بررسی می‌کند (هایمز، ۲۰۰۳)؛ ۳- هدف^{۱۰} که به مقصود شکل‌گیری گفتمان می‌پردازد (هایمز، ۱۹۷۵)؛ ۴- ترتیب گفتمان^{۱۱} که کیفیت نظم و ترتیب گفتمان را مورد سنجش قرار می‌دهد (هایمز، ۱۹۷۴)؛ ۵- لحن^{۱۲} که به توصیف چگونگی بیان و نحوه ابراز احساسات در گفتمان می‌پردازد

^۱. Partain

^۲. Halliday

^۳. Vygotsky

^۴. Sapir-Whorf

^۵. emotioncy model

^۶. cultural models

^۷. Hymes

^۸. setting/scene

^۹. participants

^{۱۰}. end

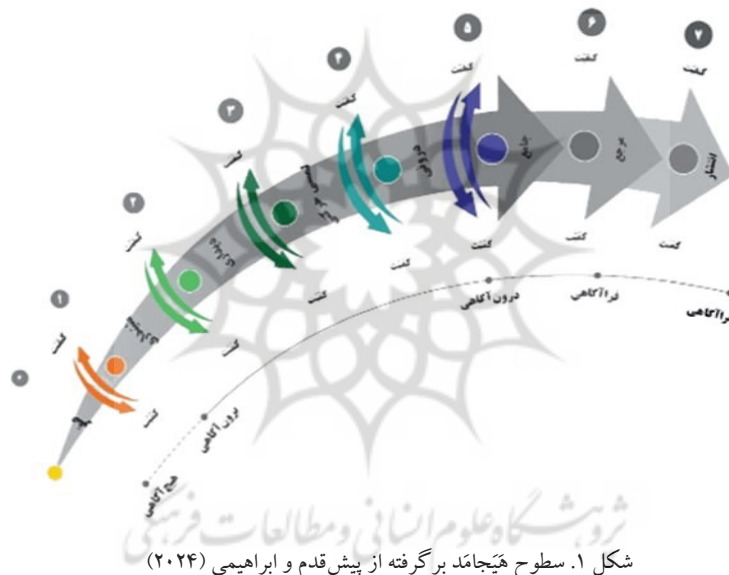
^{۱۱}. act sequence

^{۱۲}. key

(هایمز، ۲۰۰۳)؛ ۶- ابزار گفتمان^۱ به نحوه کاربرد واژگان نظیر شفاهی و کتبی در یک ارتباط اشاره دارد (هایمز، ۱۹۶۷)؛ ۷- قوانین گفتمان^۲ به اصول فرهنگی و اجتماعی موجود در یک گفتمان می‌پردازد (هایمز، ۱۹۷۵) و ۸- نوع گفتمان^۳ که نوع سبک جاری در مکالمات را مشخص می‌کند و شامل مواردی نظیر شعر، نثر، معما، سخنرانی و ضرب‌المثل است (هایمز، ۲۰۰۳).

۳-۱-۲- الگوی هیجامد

هیجامد (هیجان و بسامد) به هیجانات ناشی شده از حواس و تأثیری که این هیجانات بر روی درک و شناخت افراد از محیط دارد، تأکید می‌کند (پیش‌قدم، ۲۰۱۵). براساس این مفهوم، واژگان هر زبان دربردارنده درجه متفاوتی از حس عاطفی برای افراد آن جامعه زبانی است و به هر میزان حواس بیشتری از افراد در ارتباط با موضوعی درگیر باشد، هیجانات بیشتری را از سر می‌گذرانند (پیش‌قدم و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به الگوی هیجامد، هیجامد افراد نسبت به مفاهیم مختلف دارای پنج سطح هیچ‌آگاهی^۴ (غریبه بودن موضوع برای فرد)، برون‌آگاهی^۵ (درگیر شدن سه حس شنیداری، دیداری و لمسی-حرکتی نسبت به مفهوم)، درون‌آگاهی^۶ (درگیری مستقیم با مفهوم)، فراآگاهی^۷ (تحقیق و بررسی ابعاد مختلف یک مفهوم توسط افراد) (جهانی و همکاران، ۲۰۲۳) و تراآگاهی^۸ (مهارت همه‌جانبه فرد نسبت به مفهوم و کشف ایده جدید در ارتباط با آن) است (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۱۴۰۱). نمود تصویری این الگو در شکل (۱) ارائه شده است؛



شکل ۱. سطوح هیجامد برگرفته از پیش‌قدم و ابراهیمی (۲۰۲۴)

براساس این نمودار میزان آشنایی و کاربرد این زیاهنگ‌ها توسط افراد درجات مختلف زیاهنگ هیچ‌آگاهی (عدم آشنایی با اصطلاح دربردارنده فرهنگ)، زیاهنگ برون‌آگاهی (آشنایی با اصطلاح در کتاب‌ها و یا گفتار افراد میان‌سال)، زیاهنگ درون‌آگاهی (استفاده پر بسامد یک اصطلاح در گفتار روزمره)، زیاهنگ فراآگاهی (به‌خاطر سپاری بسیاری از اصطلاحات با محتوای فرهنگی) (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۲۴) و زیاهنگ تراآگاهی (اختراع و ترویج یک اصطلاح حاوی نکته فرهنگی) را شامل می‌شود.

۳-۱-۳- الگوهای فرهنگی

- ^۱. instrumentalities
- ^۲. norms of interaction
- ^۳. genre
- ^۴. avolvement
- ^۵. exvolvement
- ^۶. involvement
- ^۷. metavolvement
- ^۸. transvolvement

تا کنون نظریه پردازان و جامعه‌شناسان بسیاری با بررسی عقاید، نگرش‌ها و آداب و رسوم جوامع مختلف از طریق دسته‌بندی این مؤلفه‌ها الگوهای فراوانی ارائه کرده‌اند؛ برای نمونه هافستد (۱۹۸۳؛ ۱۹۸۸؛ ۲۰۰۱؛ ۲۰۱۰) الگوهای فرهنگی فاصله از قدرت (چگونگی برخورد جامعه با نابرابری در قدرت و ثروت)، اجتناب از عدم اطمینان، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، مردنگری و زن‌نگری (تمایلات جامعه به ارزش‌ها و روحیات مردانه یا زنانه)، جهت‌گیری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت و سهل‌گیری در مقابل خویشتن‌داری را برای گروه‌بندی جوامع از طریق ویژگی‌های فرهنگی، ارائه کرده است. در دسته‌بندی دیگر هال (۱۹۷۹) جوامع را به دو دسته بافت فرهنگی قوی (روابط پیچیده میان افراد) و بافت فرهنگی ضعیف (ارتباطات واضح و صریح میان افراد) تقسیم کرده است. نیسبت (۱۹۹۸) نیز جوامع را به دو دسته کل‌نگر (اهمیت اجتماع و فعالیت‌های گروهی) و جزءنگر (ترجیح خودمختاری و استقلال) تقسیم کرده است. همچنین مینکوف (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸) با توجه به مؤلفه‌هایی نظیر دین‌داری و عزت و افتخار ملی دو گروه جوامع تخته‌سنگی (اعتقاد به حفظ ثبات) و هلوبی (انعطاف‌پذیر) را ارائه کرده است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و از نوع کاربردی است که با هدف طراحی نمایشنامه تعلیمی-تربیتی بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ انجام شده است. روش طراحی به این صورت است که در گام نخست یکی از دغدغه‌ها و رفتارهای رایج در میان نوجوانان که منجر به شکل‌گیری فرهنگ نادرست می‌شود، شناسایی شده و در گام دوم زیاهنگ مناسب برای اصلاح آن رفتار تشخیص و داده‌های زبانی آن از بطن جامعه یا متون، استخراج شده و بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ تحلیل می‌شود، یا در صورت امکان از نتایج پژوهش‌های انجام شده در حوزه زیاهنگ بهره گرفته می‌شود. در مرحله سوم نیز طراحی قسمت‌های مختلف نمایشنامه و چگونگی اجرای آن بر اساس الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ شرح داده می‌شود. شایان ذکر است به منظور تبیین بیشتر، سه صحنه از یک نمایش براساس نتایج پژوهش ابراهیمی و جهانی (۱۴۰۲) با عنوان «واکاوی زیاهنگ داد» در شاهنامه فردوسی بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ طراحی می‌شود.

۵- طراحی نمایشنامه بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ

از جمله ویژگی‌های مهم نمایش تعلیمی-تربیتی تأکید بر جنبه تعلیمی آن و توجه به نیازها و دغدغه‌های گروه هدف و انجام تمرین و تأثیر گذاشتن بر روی شرکت‌کنندگان و مخاطبان است (طایفه مهدی‌خان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ درواقع این نوع نمایش بر مبنای خلاقیت و خودشکوفایی بنا شده و تمرین، جستجو، درگیر ساختن ذهن و ایجاد شناخت در آن حائز اهمیت است (کاظمی یزدی و همکاران، ۱۴۰۲) که این امر موجب شده با هدف ارزیابی مسائل مختلف یک موضوع، هر صحنه پس از اجرا بررسی شده و تا رسیدن به نتیجه مطلوب چندین بار اجرا می‌شود (احدی‌فر و همکاران، ۱۴۰۰).

از این‌رو به نظر می‌رسد با توجه به تأکید الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ بر مؤلفه‌های فرهنگ (الگوهای فرهنگی) به عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی در تربیت نوجوانان، توجه به اجزای مختلف گفتمان در ارتباط و اهمیت گفتمان در نمایش (الگوی SPEAKING) و همچنین مدنظر قرار دادن حواس و هیجانات افراد در گیر در یک گفتمان (الگوی هیجامد) و ارتباط آن با مشارکت دانش‌آموزان در نمایش، این الگو همه نیازها و ویژگی‌های یک نمایش تعلیمی-تربیتی را به‌خوبی پوشش می‌دهد. بدین‌منظور در گام نخست هر یک از عناصر این نوع نمایش با اجزای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ تطبیق داده می‌شود.

همان‌طور که پیش از این بیان شد، هدف اصلی طراحی نمایش تعلیمی-تربیتی در این جستار آموزش فرهنگ به‌منظور تأثیرگذاری بر هوش فرهنگی نوجوانان است. بدین‌منظور در گام نخست می‌توان با بررسی الگوهای فرهنگی گوناگون که توسط متخصصان در این حوزه ارائه شده است، الگوهای فرهنگی صحیح که باید نوجوانان آن را فراگیرند را شناسایی کرده و به عنوان موضوع اصلی نمایش برگزید و بر مبنای آن موضوع اجزای دیگر نمایش را خلق کرد.

گام دوم نوشتن متن نمایشنامه است که براین اساس هر نمایشنامه از عناصر گفتگو (صحبت‌های میان شخصیت‌ها)، شخصیت (خلق شخصیت و پردازش ابعاد فیزیکی، اجتماعی و روانی آن)، محیط (توصیف صحنه‌های نمایش)، هدف (مقصودی که گفتگوها و حوادث نمایش آن را دنبال می‌کند)، قوانین گفتگو (محتوای موجود در گفتگوی میان شخصیت‌ها)، کشمکش گفتگو (کنش و واکنش و نوبت‌گیری میان شخصیت‌ها) و احساس زبان (ریتم و موسیقی و هیجان جاری در گفتگوها) (اگری^۱، ۱۳۷۴؛ گرگ^۲، ۱۳۹۲) تشکیل می‌شود که هر یک از این عناصر را می‌توان با اجزای بخش الگوی SPEAKING الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ مطابقت داد؛ به عبارت دیگر عنصر مکان در نمایش برابر است محیط رسمی/ غیررسمی و همتراز/ غیرهمتراز، عنصر شخصیت و ویژگی‌های آن با شرکت‌کنندگان، هدف با هدف، گفتگو با لحن، قوانین گفتگو با قوانین گفتمان، احساس گفتمان با نوع گفتمان و کشمکش با ترتیب گفتمان این الگو مطابقت دارد و نویسنده نمایش در هنگام نوشتن گفتگوهای نمایش می‌تواند مؤلفه‌های هشتگانه را مورد توجه قرار دهد و با توجه به این مؤلفه‌ها با مشخص کردن شخصیت‌ها و صحنه‌ها به نوشتن گفتگوهای میان آنان پردازد.

با نگارش متن اولیه نمایشنامه با توجه به جنبه تعلیمی این نوع از نمایش و اهمیت درگیر کردن مخاطبان در درک درست موضوع می‌توان بر مبنای بخش سوم الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ با عنوان الگوی هیجامد و اهمیت درگیری حواس و تولید هیجانات ناشی از این درگیری در درک مفاهیم، آنان را در فرآیند اجرا دخیل کرد؛ به گونه‌ای که گروهی از آنان به اجرای نمایش پردازند و گروهی دیگر این اجرا را مشاهده کرده و در بازه‌های مختلف به نقد و بررسی اجرا پرداخته و در حوادث مختلف نمایش، گفتگوی شخصیت‌ها، سرنوشت شخصیت‌ها و پایان‌بندی نمایش تغییراتی ایجاد کنند و این روند آتقدر تکرار شود تا به درک الگوهای فرهنگی مورد نظر مربی دست یافته و آن را درک کنند. در ادامه نمود تصویری الگوی پیشنهادی ارائه می‌شود؛



شکل ۲. طراحی نمایش تعلیمی - تربیتی بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ

براساس مطالب ارائه شده در این الگو به نظر می‌رسد مربی می‌تواند در فضای کلاس خود به راحتی از آن در توسعه هوش فرهنگی نوجوانان بهره‌برد. به همین منظور در ادامه برای تبیین بهتر این الگو یک نمونه ارائه می‌شود؛ تا کنون پژوهشگران بسیاری به بررسی زیاهنگ‌ها در بافت گفتمان جاری جامعه زبان فارسی یا کتاب‌ها و فیلم‌ها پرداخته‌اند و با توجه به انعکاس فرهنگ در متون ادبی متعلق به آن جامعه (اختر، ۲۰۲۲)، به نظر می‌رسد یکی از منابع غنی در آموزش فرهنگ

^۱. Egri

^۲. Garg

به نوجوانان و به تبع آن پرورش هوش فرهنگی آنان استفاده از زیاهنگ‌های متون ادبی در طراحی نمایش است. از این رو در جستار حاضر نیز از داده‌های پژوهش ابراهیمی و جهانی (۱۴۰۲) با عنوان «واکاوی زیاهنگ «داد» در شاهنامه فردوسی بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ» برای ارائه نمونه بهره برده می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که زیاهنگ «داد» در شاهنامه در سطوح اجتماعی بالای جامعه متن شاهنامه و با اهدافی نظیر الهی بودن و همگانی نمودن آن و لزوم رعایت آن برای بقای حکومت، توانانی داد با آبادانی، پیشرفت، شادی، نیکنامی و اعتبار دنیوی و اخروی، راستی، دانش، آرامش و تقابل آن با بیداد با لحن‌های نصیحت‌آمیز، جدی، ترغیبی، دعایی، معترفانه، طعنه‌آمیز، معترفانه و غمگین به صورت گسترده در جامعه جاری بوده و همه افراد نسبت به این مؤلفه آگاهی کامل و نگاه مثبت داشته‌اند (فراآگاهی). همچنین این زیاهنگ نمایانگر فرهنگ جمع‌گرا (اهمیت روابط در جامعه)، کل‌نگر (نقش جایگاه فرد در ارتباط با گروه)، اعتمادافزوده (احترام و رعایت ارزش‌های جامعه و تلاش برای ترویج آن در سطح گسترده)، خیرخواه و تساوی‌گرا (تلاش برای گسترش عدالت و احقاق حقوق همه افراد) و دارای استقلال احساسی (احساس رضایت و نگرش مثبت از رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی) است. به نظر می‌رسد طراحی نمایشنامه با محتوای زیاهنگ داد در شاهنامه فرصت مغتنمی برای اصلاح برخی رفتارهای نوجوانان نظیر تمایل به تنهایی و بی‌اعتنایی به نظرات بزرگترها، زیر پا گذاشتن برخی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی برای رسیدن به اهدافشان است که در ادامه چند صحنه از یک نمایش و چگونگی اجرای آن ارائه می‌شود؛

عنوان اثر:

داور

صحنه اول: نیما نوجوانی است که چند روز پیش در صصای مجازی ویدئویی را مشاهده کرد که در آن ادعا شده بود یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت اندیشیدن به اهداف، خوداتکایی، اعتماد نکردن به کسی و تلاش برای رسیدن به آن اهداف به هر قیمتی است. حالا او به عنوان مسئول شمارش آرای شورای مدرسه انتخاب شده و صندوق رأی به او تحویل داده شده است تا با خود به خانه ببرد و نتیجه را فردا در مراسم صبحگاهی اعلام کند. به همین دلیل در مسیر مدرسه به خانه، سبجان که یکی از نامزدهای شورای مدرسه است، سر راه او سبز می‌شود.

شخصیت‌ها:

نیما: مسئول شمارش آرای انتخاب شورای مدرسه

آرش: همکلاسی و دوست نیما

سبجان: یکی از نامزدهای شورای مدرسه

آرش درحالی که نگاهی به کیف و صندوق رأی که در دستان نیما است می‌اندازد: «نیما آگه خسته شدی من می‌تونم کمکت کنم، می‌خوای من صندوق رو بپارم؟»

نیما دستانش را برای دادن صندوق به آرش دراز می‌کند اما بعد از کمی مکث پشیمان شده و صندوق را محکم می‌گیرد و با لبخند: «نه اصلاً خسته نیستم رفیق ممنونم! زیاد سنگین نیست».

آن دو همان‌طور که درمورد دربی دیشب و سوت نابه‌جای داور صحبت می‌کردند و به سوی خانه در حرکت بودند، با شنیدن صدای سوتی متوقف شدند و به پشت سر خود نگاه کردند.

سبجان که دویده بود تا به آن دو برسد همان‌طور که نفس نفس می‌زد دستش را روی شانه نیما گذاشت: «سلام رفیق خوبی؟ می‌بینم سنگینی رأیای من خستت کرده! می‌خوای کمکت کنم؟»

آرش نیشخندی زد: «زهی خیال باطل آقا نیما به من که دوستش بودم اعتماد نکرد شما که جای خود داری!»

سبجان: «من که مطمئنم فردا اسم من رو اعلام می‌کنه و در عوض من همه‌جوره براش جبران می‌کنم».

نیما لبخندی زد: «اگه بچه‌ها بهت رأی داده باشن و به نظرشون لیاقتشو داشته باشی، ان شاء الله انتخاب می‌شی».

سبحان سینه‌اش را جلو داد: «معلومه که انتخاب می‌کنن خدایی از من باعرضه‌تر آخه کسی هست بین نامزدا؟»

آرش آرام چند ضربه به پشت سبحان می‌زند: «بابا اعتماد به سق! داداش موفقیتت آرزومه».

نیما که سنگینی صندوق دستش را خسته کرده است: «امیدوارم همین‌طور باشه و فردا تو انتخاب بشی. ببین ما دیرمون شده باید بریم».

سبحان: «من مطمئنم انتخاب می‌شم اما برای اطمینان بیشتر ازت می‌خوام هوای داداشو بیشتر داشته باشی و عددارو جوری بچینی که...».

نیما که از حرف سبحان جا خورد توی حرف او پرید: «تو چه توقعی از من داری؟! ازم می‌خوای به اعتمادی که به من شده خیانت کنم، من جز حقیقت چیزی رو اعلام نمی‌کنم».

سبحان: «خیانت کدومه! تو داری به کادر مدرسه و بچه‌ها لطف می‌کنی و یک باعرضه رو به عنوان مسئول انتخاب می‌کنی. در ضمن محض رضای خدا که نمی‌کنی و وقتی من انتخاب بشم امتیازای زیادی مال تو می‌شه و هر کاری دوست داشتی می‌تونی انجام بدی».

آرش که متوجه عصبانیت نیما شده بود رو به سبحان: «رفیق سراغ بد کسی اومدی نقشت همه برآبه چون نیما اصلاً اهل این حرفا و رفتارا نیست».

سبحان که دید تطمیع فایده‌ای ندارد با تهدید: «بهتره عقل رفیقت بیاد سر جاش و گرنه باید با دست و پای سالمتون خداحافظی کنید».

آرش: «برو کنار بذار باد بیاد. نیما بیا بریم این عددی نیست که بخواد ما رو تهدید کنه».

سبحان: «حالا می‌بینی بچه ژینگول».

مربی بعد از اجرای این صحنه توسط بازیگران می‌تواند از مخاطبان بخواهد که به نقد محتوا و شخصیت‌های این صحنه پردازند و پیشنهادهای خود را برای تغییر این صحنه و صحنه دوم ارائه کنند و بازیگران با توجه به تغییرات اجرای صحنه را تکرار کنند.

صحنه دوم

شب هنگام است و نیما آراء را شمرده است و با آرش تماس تصویری گرفته تا با هم صحبت کنند.

شخصیت‌ها:

نیما

آرش

آقای احدی: پدر آرش که معلم ادبیات فارسی است.

آرش: «چی شد نیما رفیق باعرضمون انتخاب شد؟»

نیما: «نه انگار بچه‌ها نظرشون روی کس دیگه‌ای هست و سبحان زیاد طرفدار نداره».

آرش: «که این‌طور و تو هم می‌خوای حقیقت رو اعلام کنی؟»

نیما: «معلومه که آره».

آرش: «بابا ایول دمت گرم فقط چیف که باید با سلامتی مون خداحافظی کنیم!»

نیما: «بینم تو ترسیدی یا دلت به وعده‌هاش گرمه؟»

آرش می‌خندد و چشمک می‌زند: «این جوریه؟ هر دو و تو اگه مرام به خرج بدی و اسم طرف رو اعلام کنی هم تو مدرسه پادشاهی می‌کنیم و هم دست و پامون سالم می‌مونه».

نیما: «راستش من یکم نگران تهدیدش و نمی‌خوام تو آسیب ببینی، اما حاضرم نیستم در مقابل خواسته سبحان تسلیم بشم و بذارم در حق کسی ظلم بشه».

آرش: «راستش من از قبل سبحان رو می‌شناختم و می‌دونستم زیاد شخصیت خوبی نداره و خوشحالم که رأی نیاورده اما منم مثل تو نگرانم به خاطر حرفایی که زد آخه شنیدم تا الان با همین زورگویی‌هاش دو سه تا از بچه‌های مدرسه رو کله‌پا کرده».

نیما: «یعنی می‌گی من باید....»

آرش: «نه بابا اصلاً! راستش من سرپسته ماجرا رو برای بابام تعریف کردم تا بدونم باید چی کار کنیم».

نیما که انگار نور امید در دلش روشن شده بود با خوشحالی: «خب خب چی گفتن؟»

پدر آرش خودش را خم می‌کند و کنار آرش جلو دوربین گوشی قرار می‌گیرد: «سلام نیما جان خوبی؟ من به تو و آرش افتخار می‌کنم که طرفدار عدالت و حقیقتید و مطمئنم اگه فردوسی هم تو این زمان زندگی می‌کرد و طرز فکر شما رو می‌شنید در وصفتون شعر می‌گفت».

نیما با لبخند از روی مبل نیم‌خیز می‌شود و دوباره می‌نشیند: «سلام آقای احدی خیلی ممنونم شما به ما لطف دارید. ولی چرا باید فردوسی بزرگ کار ما رو ستایش کنه؟ راستش متوجه صحبتتون نشدم».

آقای احدی: «چند تا بیت از فردوسی یادداشت کردم دادم آرش برات بفرسته وقتی بخونی متوجه می‌شی».

آرش: «آره نیما من چند تا شو خوندم الان برای تو هم می‌فرستم به نظر من که خیلی باحال بود!»

نیما: «پس حتماً باید بخونمش. قطع کن و سریع برام بفرست بقیه صحبتمون رو تو چت ادامه می‌دیم».

همانند صحنه قبل با اجرای این صحنه نیز مخاطبان می‌توانند به نقد و بیان نظرات و پیشنهادهای خود بپردازند و تغییراتی در گفتگو و جزئیات آن ایجاد کنند و بازیگران با توجه به این تغییرات به اجرای دوباره این صحنه بپردازند.

صحنه سوم

نیما مطالبی که آقای احدی یادداشت کرده بود را خوانده و با آرش به این نتیجه رسیدند که نیما فردا عادل باشد و نماینده واقعی را معرفی کند اما با وجود سابقه ظلم‌های سبحان با ترس و دلهره به رختخواب رفته و چشم‌هایش را روی هم می‌گذارد و خواب می‌بیند.

شخصیت‌ها:

نیما

آرش

شخصیت تاریخی برآمده از متن شاهنامه

فردوسی

نیما فردا صبح در راه مدرسه: «آرش من نگرانم و می‌خوام بگم سبحان نماینده شده نظرت چیه؟»

آرش همان‌طور که از حرکت ایستاد: سکوت

نیما که متوجه توقف آرش شده بود: «چرا نمی‌یای؟»

یک شخصیت در لباس رزم توصیف شده در شاهنامه در ده قدمی نیما ایستاده و نیما نگاهش روی او قفل شده است:

«مکن ای برادر به بیداد رأی / که بیداد را نیست با داد پای»

نیما با تعجب: «ت تو دیگه کی هستی؟ آرش کو؟»

شخصیت چند قدمی به سوی نیما برمی‌دارد: «من نیز همچون آرش دوستدار شما هستم و می‌گویم «تو گر دادگر باشی و

پاک‌دین / ز هر کس نیایی جز آفرین».

نیما از ترس از خواب می‌پرد و یک لیوان آب می‌خورد و دوباره سعی می‌کند بخوابد و در عالم خواب در راه مدرسه: «خدایا اگه حقیقت رو بگم چه اتفاقی برای من و آرش میوفته؟»

شخصیت تاریخی آن طرف عابر پیاده با صدایی بلند: «خداوند کیوان و گردان سپهر/ ز بنده نخواهد به جز داد و مهر»

نیما باز ترس و بیدار شدن و جابه‌جا شدن در رختخواب و خوابی دیگر: «ترو خدا آرش رو کتک زن من می‌رم می‌گم اشتباه کردم و سبCHAN نماینده شده».

شخصیت تاریخی که به زمین افتاده بود با لبخند: «به مهر و به داد و به خوی و خرد/ زمانه همی از تو رامش برد».

نیما با عصبانیت: «بازم تو؟ الان می‌کشنت!»

شخصیت تاریخی: «نگران نباشید» تو درویش را رنج منمای هیچ/ همی داد و بر داد دادن بسیج».

نیما دوباره از خواب می‌پرد: «قول می‌دم که نه فقط فردا بلکه برای تمام عمرم جز به عدالت رفتار نکنم».

فردوسی ایستاده در گوشه‌ای از اتاق: «درود بر تو» بسازید و از داد باشید شاد/ تن آسان و از کین مگیرید یاد».

با پایان این صحنه نیز مخاطبان می‌توانند با نقد و بررسی صحنه و ارائه پیشنهادها، با هدایت و کمک مربی به کشف الگوهای فرهنگی نهفته در این صحنه‌ها بپردازند.

همان‌طور که در نمونه ارائه شده قابل مشاهده است، تلاش شده با توجه به نیازهای نوجوانان و اصلاح یک رفتار فرهنگی نادرست در آنان، از یک پژوهش مرتبط با این زمینه بهره برده و براساس الگوی SPEAKING سه صحنه طراحی شود و با امکان اجرا و نقد و بررسی هر صحنه زمینه برای درگیر کردن حواس و هیجانات و به تبع آن افزایش سطح هیجاند نوجوانان در ارتباط با آن الگوی فرهنگی مهیا سازد و در صحنه نهایی نیز با بحث و بررسی الگوی فرهنگی کشف شود. شایان ذکر است به‌منظور محدودیت تعداد صفحات این پژوهش به سه صحنه اکتفا شده است، اما می‌توان این صحنه‌ها را گسترش داد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌جا که شخصیت و هویت افراد در دوران نوجوانی شکل می‌گیرد، شایسته است افراد مسئول در زمینه پرورش نوجوانان امکانات لازم در راستای شکل‌گیری صحیح هویت آنان فراهم سازند به‌همین‌منظور با توجه به تأثیر آموزش فرهنگ در سطح هوش فرهنگی افراد و به تبع آن تشخیص و درک الگوهای فرهنگی سالم و شکل‌گیری هویت صحیح افراد (سلحشوری و خاوری، ۱۳۹۲)، پژوهش حاضر استفاده از نمایش تعلیمی- تربیتی را روشی تأثیرگذار در پرورش هوش فرهنگی نوجوانان می‌داند و به‌منظور اجرای درست و تأثیرگذاری مثبت آن بر نوجوانان، الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ را به‌عنوان الگویی مناسب برای طراحی نمایش‌های تعلیمی- تربیتی معرفی می‌کند.

با توجه به جزء نخست این الگو مخاطبان از طریق گفتگوهای موجود میان شخصیت‌های نمایشنامه که براساس الگوی SPEAKING طراحی شده است، با انواع گفتمان‌های فرهنگی در جوامع و اقشار مختلف آشنا می‌شوند که این امر موجب رشد مؤلفه فراشناختی هوش فرهنگی نوجوانان می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در مواجهه با موقعیت‌های مشابه با توجه به تجربیاتی که کسب کرده‌اند می‌توانند به برقراری ارتباط مؤثر با دیگران بپردازند. نتایج این بخش از پژوهش در راستای پژوهش‌های پورتانور و همکاران (۲۰۱۸) و پارتین (۲۰۲۴) است که به ترتیب نشان دادند میان هوش فرهنگی و هوش هیجانی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد و آموزش تئاتر موجب پرورش مهارت‌های ارتباطی در نوجوانان می‌گردد.

از سوی دیگر درگیر شدن مخاطبان در اجرا و بررسی و نقد صحنه‌های مختلف نمایش سبب افزایش سطح هیجاند نوجوانان نسبت به موضوع نمایش و به تبع آن درک و یادگیری بهتر آن موضوع می‌شود که نتایج پژوهش گوبل (۲۰۲۱) نیز بر این امر صحنه می‌گذارد؛ زیرا وی نیز اذعان داشت اجرای نمایش یادگیری محتوای آکادمیک و غیرآکادمیک را برای دانش‌آموزان تسهیل می‌کند. همچنین اجرا و نقد و بررسی نمایش پرورش مؤلفه شناختی هوش فرهنگی مخاطبان را به همراه دارد که براساس این مؤلفه آنان می‌توانند به تفکر و قضاوت درست در ارتباط با مفاهیم مختلف فرهنگی بپردازند که این امر همسو با نتایج پژوهش آریایی‌نسب و سارونی (۱۳۹۴) است که معتقدند استفاده از تئاتر در آموزش کارکردهایی نظیر کشف و باور کردن استعدادها

نهفته، افزایش تفکر خلاق و پرورش دادن بنیادهای فکری دانش آموزان می‌شود. همچنین نقد و ارزیابی موضوع نمایش و کشف الگوهای فرهنگی نهفته در آن توسط مخاطبان با هدایت مربی سبب پرورش مؤلفه انگیزش هوش فرهنگی مخاطبان می‌شود که براساس این مؤلفه آنان توانایی مدیریت هیجانات و مشخص ساختن نوع نگرش خود را نسبت به الگوهای مختلف فرهنگی در ارتباطات فرهنگی خواهند داشت و از دنبال کردن الگوهای فرهنگی معیوب اجتناب می‌کنند که نتایج پژوهش‌های شاه‌مرادی و همکاران (۱۴۰۲) و حجتی و همکاران (۱۴۰۳) مبنی بر ارتباط هوش فرهنگی و نوع رفتار دانش آموزان تأییدی بر نتایج پژوهش حاضر است. همچنین مصطفایی و پیرزادی (۱۴۰۲) بر تأثیر تئاتر بر درمان اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان صحنه می‌گذارند. بنابراین با توجه با مطالب فوق به نظر می‌رسد طراحی نمایشنامه تعلیمی-تربیتی بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ موجب پرورش هوش فرهنگی، شناخت الگوهای فرهنگی معیوب و سالم توسط نوجوانان و در نهایت شکل‌گیری صحیح هویت و شخصیت آنان می‌گردد. ازاین‌رو شایسته است نهادهایی که وظیفه تربیت این قشر از جامعه را دارند با تألیف مجموعه نمایشنامه‌های مناسب برای آموزش فرهنگ و فراهم آوردن شرایط برای اجرای آن‌ها زمینه را برای پرورش هوش فرهنگی نوجوانان مهیا سازند. همچنین ازآن‌جاکه در این پژوهش به معرفی و تبیین الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ برای طراحی نمایشنامه‌های تعلیمی-تربیتی اکتفا شده است، به سایر پژوهش‌گران علاقه‌مند در این زمینه پیشنهاد می‌شود در قالب پژوهش‌هایی شبه‌آزمایشی تأثیر استفاده از این نوع نمایشنامه‌ها را بر مؤلفه‌های هوش فرهنگی، سبک هویت و هوش اجتماعی کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار دهند.



منابع

- آریایی نسب، احمد، و سارونی، مهتاب. (۱۳۹۵). ادبیات نمایشی روشی راهبردی برای آموزش کودکان. یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، گیلان، ایران، ۵۴۹-۵۶۹.
- ابراهیمی، شیما و جهانی، زهرا. (۱۴۰۲). واکاوی زبانهنگ «داد» در شاهنامه فردوسی بر مبنای الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ. مجموعه مقالات همایش بازنشاسی نقش شاهنامه فردوسی در هویت ملی. ۲۶۹-۲۹۳.
- ابراهیمی کیایی، هادی و عامریان، فاطمه. (۱۳۹۹). چالش‌ها و موانع تربیت دینی نسل چهارم انقلاب در گام دوم و رهکارهای رسانه‌ای رویارویی با آن‌ها با تأکید بر بیانات رهبری. خانواده و پژوهش، ۱۷ (۳)، ۱۰۵-۱۲۶.
- احمدی فر، شادی، حسینیان، سیمین، و کیلی، سمیرا و قاسم‌زاد، سوگند. (۱۴۰۰). اثربخشی نمایش خلاق بر تنظیم شناختی هیجان در نوجوانان تیزهوش و پرخاشگر. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۷ (۱)، ۳۶۶-۳۷۵.
- اگری، لاجوس. (۱۳۷۴). فن داستان و نمایش. ترجمه مصطفی رحیم‌زاده، پارت.
- باقری، بهراد و رایانی مخصوص، مهرداد. (۱۳۹۷). اهداف تربیت در بازی‌های نمایشی. فصلنامه پژوهشی تئاتر، (۷۳)، ۷۵-۹۳.
- پیش‌قدم، رضا. (۱۳۹۱). معرفی «زبانهنگ» به عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ کاوی زبان. زبان و ترجمه، ۴۵ (۴)، ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، رضا و ابراهیمی، شیما. (۱۴۰۱). بررسی زبانهنگ دل‌نگرانی برای دیگران در ایرانیان: از هیچ‌دلی تا فرادلی. زبان‌پژوهی، ۱۲ (۵۱)، ۴۱-۷۵.
- پیش‌قدم، رضا، طباطبائی، مریم و ناوری، صفورا. (۱۳۹۲). تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول از پیدایش تا تکوین. دانشگاه فردوسی مشهد.
- جمیره، جواد و دیره، عرت. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش تئاتر بر یادگیری مهارت‌های زندگی در دوره نوجوانی در بوشهر. فصلنامه تخصصی تئاتر، (۶۲)، ۱۲۰-۱۳۴.
- جورابراهیمیان، فائزه و سلیمانپور، جواد. (۱۴۰۱). رابطه هوش فرهنگی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۸ (۱)، ۶۵-۷۵.
- جهانی، زهرا، ابراهیمی، شیما و بامشکی، سمیرا. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی و تحلیل محتوای کتاب‌های تاریخ زبان فارسی در پرتو الگوی هیجامد. مطالعات زبان و ترجمه، ۵۴ (۲)، ۸۹-۱۲۲.
- حجتی، عبدالله، بصیرپور، ناهیده، نجاری، زینب و علی کرمی، افسانه. (۱۴۰۳). هوش فرهنگی دانش‌آموزان مبتنی بر خودیگانگی فرهنگی. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت و علوم، تبریز، ایران.
- حسن‌نیا، میلاد، شایگان فر، نادر و امینی، رحمت. (۱۴۰۰). نقش نمایش خلاق در تعلیم و تربیت با بهره‌مندی از آرای جان دیویی. هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، ۲۶ (۳)، ۴۳-۵۴.
- حسینی، حسام و نژادنجفقلی، پریا. (۱۴۰۳). تبیین هوش اخلاقی و فرهنگی بر میزان یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت و علوم اجتماعی، تبریز، ایران.
- خجبر، یوسف. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جامعه ایرانی و ارائه راهبردهای استفاده بهینه از آن. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۷ (۱۰۲)، ۱۸۴-۲۱۱.
- دوستی، پیمان، و جاویدان، لاله. (۱۳۹۴). تأثیر تئاتر درمانی بر کاهش اضطراب و افسردگی کودکان ۸ ساله شهر تهران. ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، ایران.
- رجبی، سوران، و علیمزادی، خدیجه. (۱۳۹۶). اثربخشی تئاتر درسی در افزایش مهارت‌های اجتماعی و یادگیری دروس پایه در دانش‌آموزان ابتدایی. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۲ (۲)، ۹۸-۱۱۳.
- سرمدی، مریم و خلیلی، مرضیه. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر هوش فرهنگی با انگیزش و خلاقیت یادگیری بر دانش‌آموزان. رویکردهای نوین تربیتی، ۴ (۴)، ۱۷۲-۱۸۰.

- سلحشوری، احمد و خاوری، فرهاد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش فرهنگی و هویت ایرانی-اسلامی دانش آموزان. *خانواده و پژوهش*، ۱۰(۱)، ۱-۱۱.
- شاهمرادی، مرتضی، مشفق‌نیا، فاطمه و نوروزی، محمد. (۱۴۰۲). رابطه ارتکاب به رفتارهای پرخطر بر اساس میزان برخورداری از هوش فرهنگی و سلامت اجتماعی نوجوانان مبتنی بر نقش پلیس. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۰(۱۴)، ۱-۱۲.
- طایفه مهدی‌خان، هلیا، احدی، حسن، دلخواه، مسعود، بهرامی، هادی و باقری، فریبرز. (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر هوش هیجانی و اجتماعی کودکان. *روانشناسی اجتماعی*، ۱۳(۴۷)، ۷۷-۸۵.
- علی پور، مرضیه و بزمی، مهناز. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر بازی‌های رایانه‌ای ملی بر ارتقای مؤلفه‌های هوش فرهنگی با حس نوع‌دوستی دانش آموزان دختر متوسطه دوره اول شهرستان اسفراین. *پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*، ۸(۱۶)، ۴۳-۶۸.
- غفاری، ندا. (۱۳۹۸). مطالعه روند نمایشنامه نویسی برای کودکان در دوران معاصر بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا. *فصلنامه علمی پژوهشی تئاتر*، (۷۵)، ۵۹-۷۸.
- فراهانی، محمدتقی، و خانی‌پور، حمید. (۱۳۹۷). تأثیر فرهنگ بر تجربه عواطف، استرس، صفات شخصیت و سلامت روان: یافته‌های حاصل از مطالعات بین فرهنگی. *پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۱۲(۳)، ۱-۱۸.
- کاظمی یزدی، ندا، دلخواه، مسعود، و شعیری، حمیدرضا. (۱۴۰۲). تأثیر تئاتر پداگوژی بر رشد خلاقیت دانش آموزان مقطع دبستان و متوسطه اول شهر تهران با تکیه بر تربیت زیبایی‌شناسی. *تئاتر*، (۹۵)، ۱۷-۲۵.
- گرگ، نوئل. (۱۳۹۲). *راهنمای عملی نمایشنامه‌نویسی*. ترجمه علی اکبر علیزاد. بهگل.
- لژگی، حبیب‌الله، و منفردی، شیما. (۱۳۸۹). بررسی نقش عناصر بیان نمایشی در تئاتر کودک و نوجوان با رویکرد نمایش درمانی. *هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی*، (۴۲)، ۷۱-۷۸.
- محمدپور ورنیدی، الهه، حسینی طبقدهی، لیلا، و عمادیان، علیا. (۱۳۹۸). تأثیر تئاتر درمانی بر رشد اخلاقی، روابط بین فردی و خلاقیت دانش آموزان مقطع ششم ابتدایی. *رویش روانشناسی*، ۸(۷)، ۱۴۵-۱۵۶.
- مشگینی، حمیده، شهریاری، شقایق، و محمودی، سپیده. (۱۴۰۲). نقش هوش فرهنگی در یادگیری زبان خارجی. *ارائه شده در هفتمین همایش بین‌المللی روانشناسی مدرسه، تهران، ایران*.
- مصطفایی، نگار و پیرزادی، حجت. (۱۴۰۲). مروری بر کاربرد نمایش درمانی در درمان اختلال‌های رفتاری کودکان و نوجوانان. *اختلال‌های هیجانی و رفتاری*، ۱(۲)، ۶۳-۸۲.
- ناصری، فاطمه، سمیعی زفرقندی، مرتضی، و صفرنواده، مریم. (۱۴۰۰). تأثیر نمایش بر پیشرفت تحصیلی و مهارت اجتماعی دانش آموزان دختر دوره دوم ابتدایی شهر تهران. *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۸(۴۳)، ۵۸۰-۵۹۷.
- Akhter, T. (۲۰۲۲). *Culture and literature*. Cambridge Scholars Publishing.
- Chen, K. (۲۰۲۳). The basic problems of educational principles: Teaching. *Journal of Education and Educational Research*, ۲(۱), ۷۹-۸۲.
- Earley, P., & Ang, S. (۲۰۰۳). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Stanford University Press.
- Eluyefa, D. (۲۰۱۷). Children's theatre: a brief pedagogical approach. *Arts Praxis*, ۴(۱), ۷۹-۹۳.
- Goble, G. H., Ooyik, J. V., Robertson, T., & Roberts, G. J. (۲۰۲۱). Effects on students' academic and non-academic outcomes and student participation in theatre arts: a research synthesis. *Educational Research: Theory and Practice*, ۳۲(۳), ۱-۲۲.
- Hall, E. T. (۱۹۷۹). *Beyond culture*. Anchor press

Hofstede, G. (۱۹۸۳). National cultures in four dimensions: A research-based theory of cultural differences among nations. *International Studies of Management & Organization*, ۱۲(۱-۲), ۴۶-۷۴.

Hofstede, G. (۲۰۰۱). *Cultures' consequences: Comparing values, behaviors, institutions, and organizations across nations*. Sage Publications.

Hofstede, G., & Bond, M. H. (۱۹۸۸). The Confucius connection: From cultural roots to economic growth. *Organizational Dynamics*, ۱۷(۴), ۵-۲۱.

Hofstede, G., Hofstede, G. J., & Minkov, M. (۲۰۱۰). *Cultures and organizations: Software of the mind* (۳rd ed.). McGraw-Hill.

Hymes, D. (۱۹۶۷). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, ۲۳(۲), ۸-۲۸.

Hymes, D. (۱۹۶۲). The ethnography of speaking. In T. Gladwin and W. C. Sturtevant (Eds.), *Anthropology and human behavior* (pp.۱۵-۵۳). Anthropological Society of Washington.

Hymes, D. (۱۹۶۷). Models of the interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, ۲۳(۲), ۸-۲۸.

Hymes, D. (۱۹۷۲). Models of the interaction of SPEAKING. In T. Gladwin and W. C. Sturtevant (Eds.), *Anthropology and human behavior* (pp.۱۵-۵۳). Anthropological Society of Washington.

Hymes, D. (۱۹۷۲). Models of the interaction of language and social life. In J. J. Gumperz and D. Hymes (Eds.), *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication* (pp. ۳۵-۷۱), Rinehart & Winston.

Hymes, D. (۲۰۰۳). The interaction of language and social life. In C. B. Paulston, and R. G. Tucker (Eds.), *Sociolinguistics: The essential readings* (pp.۳۰-۴۷). Blackwell.

Imai, M., Kanero, J., & Masuda, T. (۲۰۱۶). The relation between language, culture, and thought. *Current Opinion in Psychology*, ۸, ۷۰-۷۷.

Minkov, M. (۲۰۰۷). *What makes us different and similar: A new interpretation of the world values survey and other cross-cultural data*. Klasika i Stil.

Minkov, M. (۲۰۰۸). Self-enhancement and self-stability predict school achievement at the national level. *Cross-Cultural Research*, ۴۲(۲), ۱۷۲-۱۹۶.

Nisbett, R. E. (۱۹۹۸). Essence and accident. In J. Cooper & J. Darley (Eds.), *Attribution processes, person perception, and social interaction: The legacy of Ned Jones* (pp. ۱۶۹-۲۰۰). American Psychological Association.

Nograha, A., Imaddudin, A., Fajrin, R., Suberman, U., Supriatna, M., & Budiman, N. (۲۰۲۰). Cultural intelligence in full day school students based on gender. *Cirebon International Conference*, Cirebon West Java Indonesia.

Partain, J. (۲۰۲۴). The benefits of increasing access to theatre education in k-۱۲. *Student Research Creative Works, and Publications*, (۵), ۱-۶۱.

Perez solis. (۲۰۱۸). Creative and innovative experience in vocational education & training. *Journal of Education & Social Policy*, ۴(۳), ۲۸-۳۴.

Pishghadam, R. (۲۰۱۵, October). Emotioncy in language education: From exvovement to involvement. *The ۳rd Conference of Interdisciplinary Approaches to Language Teaching, Literature, and Translation Studies*. Mashhad, Iran

Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (۲۰۲۴). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme*. LuLu Press.

Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (۲۰۲۰). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture, and Language*, ۸(۲), ۱۷-۳۴.

Ramli, M., Aris Saputra, N., Eka Saputra, W., & Fitriyah, F. (۲۰۲۴). The psychometric device of the scale of cultural intelligence in the context of social media for Indonesian adolescents. *Seejph*, ۳۰(۶), ۴۹۹-۵۱۱.

Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (۲۰۲۰). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture, and Language*, ۸(۲), ۱۷-۳۴.

Putranto, N. A., Nuraeni, S., Gustomo, A., & Ghazali, A. (۲۰۱۸). The relationship between cultural intelligence, emotional intelligence, and student performance. *International Journal of Business*, ۲۳(۱), ۱۷-۲۵.

Sooriya, P. (۲۰۲۲). Assessing cultural intelligence of adolescents in relation to their personality traits, communication style, value orientation and perceived parenting style. *International Journal of Health Sciences*, ۸(۲), ۷۵۳۶-۷۵۴۵.

Zaghloul, H. S. (۲۰۲۰). The theater in the educational context: elements of strengths, weaknesses, opportunities, and threats. *Journal of History Culture and Art Research*, ۹(۲), ۱۰۶-۱۱۲.